

یک باب در احادیث اهل ملامه بیان فرموده مرد عارف
چون آنرا بر خواند این علمدان بی راه البته بشناسد
چنانچه سلطان بایزید رحمه الله علیه نیم روزی
در ماه رمضان بشهری رسید و خلق او را بشناختند
و در پی او افتادند و زیاده وی میکردند و مشورتی وقت
میشدند چون او مسافر بود دست کرد و نای بر گرفت
و میخورد خلق جاهل گفتند شیخی که دونه فرض ماه مبارک
در رمضان خورد بچه کار آید پس یکی از خلق از پی او
و نشانه اهل الله یکی اینست که از شهرة گیران باشند
گر شهرة شوی شهر ستر اناسی و ز گوشه کفقه تو در و سوا
به زان نبود که خضر الیاسی کس تو نشناسد و تو کس نشناس
نقلست از سید الامام شیخ ابوالحسن ساذلی مغربی
قدس الله سره از وی پرسیدند که جمال عقل چیست نهایی
توقف فرمود کفقه و تعالی بندها را خود را از برای کاری
آفریده است و از ایشان چیزی میطلبد و آن چهار قسم است

و آن

و آن حاصل میشود الا عقل کامل اول آنکه بنده را مبتلا
میکند بنعمه تمام در دنیا اگر چنانچه شکر آن بجای آوردند
پس بیکاه آن در دنیا و در آخره مییابد و اگر قدر آن نداند
و بکفران در آید و در معصیت صرف کند در عذاب گرفتار شود
آن زمان گوید کاجکی هرگز این نبود و از هر کس فقیر تر بودی
دوم آنکه ویرا در دنیا فقیر کند و در آخرت بیک
یک نعمه داند از حضرة عزت جل جلاله پس شکر آن در دنیا و آخرت
مییابد و اگر به بی عقلی بداند و شکایت و ناسپاسی کند در دنیا
آن بلاء مقتدر بکشد و در آخرت عقوبت و شرمساری حق تعالی
ابتدای سوم آنکه ویرا بکناه مبتلا کند و اگر عقل کامل
بود رود توبه کند و نادم شود و از آن باز گردد پس سعید
ایده گردد و اگر عقل ناقص بود اصرار بر آن کند و از آن باز
نگردد شقی از او ابد شود **ابتدای** چهارم آنکه در طاعت
بود چنانکه هر موردی مقتضای فرموده الله تعالی بجای
آورد و در متابعت سنت محمدری **صلی الله علیه و آله** هیچ افتحال